اخبار فرهنگی

وزیر ارتباطات:
رفع فیلترینگ همه پلتفرم‌ها در دستور کار قرار دارد

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات با اشاره به برنامه‌های این وزارتخانه در خصوص رفع فیلترینگ دیگر پلتفرم‌ها، گفت: در طرحی با محوریت مرکز ملی فضای مجازی و با نگاه فعالانه‌ای که از ابتدا قول داده بودیم، در وزارت ارتباطات و فناوری پیگیری شده است. در این طرح، کارگروهی پیش‌بینی شده است تا ادامه مسیر را دنبال کند. به گزارش سایت دیده‌بان ایران، سید ستار هاشمی در سفر به استان کهگیلویه و بویراحمد، تأکید کرد: وزارت ارتباطات به دنبال پیگیری مستمر این موضوع است و امیدوار است که به زودی شاهد پیشرفت‌های ملموس در این زمینه باشیم.

شهردار شیراز:
تجهیز کارگاه مترو بافت تاریخی شیراز منوط به مجوز میراث فرهنگی است

ماجرای عبور مترو از حافظیه هنوز خاتمه پیدا نکرده که ماجرای عبور مترو از دل بافت تاریخی شیراز، دوباره این بافت تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی کشور را به سرخط خبرها بازگرداند. به گزارش ایلنا، گزارشگران این خبر، در حالی تاکید به عبور تراموا از بافت تاریخی شیراز به جای عبور مترو از زیر بافت تاریخی این شهر دارند که شنیده‌ها نیز حاکی از آن است که عملیات عمرانی و تجهیز کارگاه تونل مترو در بافت تاریخی شیراز آغاز شده و قرار است مسیر مترو از زیر خیابان چهارراه زند به سمت شاهچراغ، سردزک، شاهزاده قاسم تا احمدیه نو پیش برود و از آنجا دوباره به ریل بعدی متصل شود. «محمدحسن اسدی» شهردار شیراز در گفتگو با خبرنگار ایلنا، اما این خبر را رد کرد. او با قطعیت اعلام کرد کارگاه در جایی که ما می‌خواهیم شروع به راه‌اندازی مترو کنیم یعنی خیابان زند هنوز تجهیز نشده است. او گفت: آغاز عملیات حفاری و عبور مترو منوط به دریافت گزارش‌های باستان‌شناسی و ملاحظات بافت تاریخی و فرهنگی شیراز است و تا زمانی که گزارش‌های باستان‌شناسی را دریافت نکردیم و ملاحظات بافت تاریخی و فرهنگی شیراز رعایت نشده باشد هیچ اقدامی نخواهیم کرد. شهردار شیراز با تاکید بر اینکه تمام پروتکل‌های میراث‌فرهنگی در بافت تاریخی شیراز رعایت خواهد شد، ادامه داد: اولویت این است که تمام دغدغه‌ها را برطرف کنیم و پس از رفع دغدغه‌های میراث‌فرهنگی کار خود را شروع کنیم بنابراین تا تاییدیه از میراث‌فرهنگی نگیریم این عملیات را شروع نخواهیم کرد. هنوز مشخص نیست که در جلسات و تصمیم‌گیری‌های شورای فنی معاونت میراث‌فرهنگی چه هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی برای مطالعات بافت تاریخی شیراز صورت بگیرد. تماس‌های خبرنگار ایلنا با سخنگوی معاونت میراث‌فرهنگی و مدیرکل دفتر حفظ و احیاء بناها، بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی تا لحظه انتشار گزارش بی‌پاسخ مانده است. با این وجود فعالان میراث‌فرهنگی استان فارس معتقدند، قبل از انجام هر عملیاتی پژوهش‌های میراث‌فرهنگی در بافت تاریخی شیراز برای فعالیت‌های توسعه‌ای الزامی است.

احمد صدری سرپرست دفتر موسیقی شد

نادره رضایی، معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکمی احمد صدری را به عنوان سرپرست دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی کرد. به گزارش روابط عمومی معاونت امور هنری، احمد صدری کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر با گرایش موسیقی و درجه یک هنری از شورای ارزشیابی هنرمندان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد. صدری پیش از این در جشنواره‌های موسیقی نواحی و فجر در شورای سیاستگذاری و دبیری و بخش‌های اجرایی، حضوری فعال داشته است.

برگزاری ورک‌شاپ «همواره تهران» با حضور کاریکاتوریست‌ها

ورک‌شاپ «همواره تهران» به عنوان پیش‌رویداد این مسابقه ملی کارتون با استقبال گرم کارتونیست‌های پیشکسوت و جوان برگزار شد. به گزارش ایلنا، در این رویداد هنرمندان جوان در کنار پیشکسوتان مطرح کارتون و کاریکاتور با محوریت قرار دادن سرفصل‌های فراخوان، موضوع آسفالت خیابان‌ها و هموارسازی معابر شهری را سوژه خلق آثار خلاقانه قرار دادند و دست به تولید اثر زدند. احمد عربانی، حسین رحیم‌خانی، جواد علیزاده، علی مریخی، ابوالفضل محترمی، بهمن عبدی، امین منتظری، احسان چراغی ایرانشاهی، امیر دهقان، اصلان آقابابایی، سعید نوروزی، سعید چاوارى، علی قناعت، یلدا هاشمی‌نژاد، شیدا سردشتی، معصومه موسوی، مرضیه خانی‌زاده، و شیرزادی از هنرمندان حاضر در این ورک‌شاپ بودند. گفتنی است؛ رویداد «همواره تهران» به دبیری جمال رحمتی با هدف بهره‌گیری از نگاه خلاقانه هنرمندان در شناسایی و حل مسائل شهری و در راستای احترام به حقوق شهروندی و ارتقاء کیفیت در زندگی شهری در حال برگزار است. بهمن عبدی، بهرام عظیمی و محمدعلی خلجی از هنرمندان شناخته شده در حوزه کارتون و کاریکاتور، آثار ارسالی هنرمندان به این رویداد را داوری خواهند کرد. ضمناً مهلت شرکت در مسابقه هنری کارتون «همواره تهران» به دبیری جمال رحمتی تا دوشنبه ۱۷ دی‌ماه ۱۴۰۳ تمدید شده است و جایزه بزرگ این مسابقه ۴۰ میلیون تومان قرار داده شده و به ۶ نفر برگزیده، هر نفر ۱۰ میلیون تومان تعلاق خواهد گرفت. هنرمندان می‌توانند آثار خود را به نشانی hamvarehtehran@gmail.com ارسال کنند.

درباره چند اجرای تجربه‌محور تئاتر
در تمنای امر نو در تئاتر

محمدحسن خدایی

زمستان فرا رسیده و کلانشهر تهران گرفتار آلودگی هوا و ترافیک کمرشکن است. در این میان فضای تئاتر، بیش از پیش با اقتصاد رابطه پر مسئله‌ای برقرار کرده و اغلب گروه‌ها دخل و خرجشان با هم نمی‌خواند و به اصطلاح ورشکسته هستند. البته بعضی اجراها به میانجی حضور بازیگران سرشناس، مشکلی در جذب مخاطب و سودآوری ندارند و حال و احوالشان کوک است و موفقیت در گیشه موجب حسادت گروه‌های کم‌فروغ. به هر حال مشکلات مالی مردمان طبقه متوسط شهری به همراه کیفیت ضعیف و تعداد زیاد اجراها، بر فروش تاثیر گذاشته و بسیاری از گروه‌ها را در آستانه فروپاشی اقتصادی قرار داده است. در نهایت می‌توان وضعیت را با اندکی مسامحه این‌گونه صورتبندی کرد: بازنده‌های بی‌شمار در خدمت برنده‌های انگشت‌شمار.

این هفته به چهار اجرای قابل توجه از تئاتر بدنه می‌پردازیم که کمابیش چالش‌برانگیز بوده و تجربه‌گرایانه‌اند.

نمایش اول-وحشی

نمایش «وحشی» امیر ساعتچی محصول تئاتر دانشگاهی بود و سال‌ها طول کشید که بعد از اجرای پر از حاشیه جشنواره تئاتر دانشگاهی، به اجرای عموم برسد و این شب‌ها میزبان مخاطبان تئاتر تجربی باشد. ماجرای نمایش در رابطه با چند جوان حاشیه‌نشین و اغلب بیکار شهر است که به غیر از فوتبال بازی کردن، سرگرمی دیگری ندارند و شوربختانه این روزها توپ مناسبی برای فوتبال بازی کردن در اختیارشان نیست و به این صرافت افتاده‌اند که از کله بریده شده حیواناتی چون گوسفند و گربه در زمین فوتبال بجای توپ استفاده کنند. جالب آنکه مدتی است گربه‌های محله ناپدید شده و تهیه توپ ناممکن. نمایش وحشی به خوبی نشان می‌دهد که برای مواجهه با واقعیت صلب اجتماعی می‌توان به ساحت فانتزی پناه برد و واقعیت را تغییر داد. بدین منظور شاهد هستیم که چگونه یکی از این جوانان عاشق فوتبال، میان خواب و بیداری با امر ماورایی روبرو شده و توصیه‌ای دریافت می‌کند که برای شکار گربه‌ها، باید تبدیل به سگ شد. ورود زنی شیک‌پوش که گویا مربی آموزش سگ‌شدن است، فضای کلی نمایش را واجد مازادی جادویی می‌کند. جوانان خشن عاشق فوتبال، به زبان فرانسه حرف می‌زنند و آموزش سگ‌شدگی می‌بینند. فرآیندی دشوار که در نهایت به سرانجامی تلخ منتهی می‌شود چراکه این جماعت خشمگین به این نتیجه می‌رسند که نمی‌توان موجودات دوست‌داشتنی همچون گربه‌ها را به قتل رساند و در نتیجه باید به فرآیند دموکراتیک رای دادن متوسل شد و بجای کله گربه، از سر انسان استفاده کرد. وقتی یکی از این جوانان عشق فوتبال قربانی می‌شود و دو تیم مقابل یکدیگر صف‌آرایی می‌کنند، بار دیگر ناممکن شدن بازی فوتبال عیان می‌شود: این‌بار نه به خاطر نبودن توپ که به دلیل نابرابر شدن تعداد بازیکنان دو تیم. بله در جهان فانتزی می‌توان ناممکن را ممکن ساخت و در واقعیت بار دیگر ناکام ماند.

نمایش دوم-مالی سوییسی

براین فری‌یل در نمایشنامه «مالی سوییسی»، توانایی انسان در دیدن جهان را به پرسش می‌کشد. ماجرا در رابطه با زنی است که از ده ماهگی بینایی‌اش را از دست داده و این روزها در ۴۱ سالگی این امکان را یافته بار دیگر به یاری دانش پزشکی بینایی‌اش را بازیابد. اتفاقی که با موافقت فرانک سوییسی یا همان همسر عجیب و غریب و اغلب بیکار مالی سوییسی می‌افتد و دوران تازه‌ای را رقم می‌زند. با آنکه در ابتدا وضعیتی امیدبخش پدیدار می‌شود اما در ادامه، مالی سوییسی به تدریج توانایی دیدن را از دست می‌دهد و سرگردان مابین بینایی و نابینایی قرار می‌گیرد. جالب آنکه انتخاب مالی سوییسی، زیستن در یک فضای بینابینی مابین بینایی و نابینایی است. نکته مهم اما برای دکتر رایس که عمل جراحی را انجام داده، تامل در رابطه با چیزهایی است که بعد از عمل به مالی سوییسی داده شده و چیزهایی که از او ستانده شده است. با آنکه پاسخ چندان روشنی در این باب وجود ندارد اما دکتر رایس به این باور رسیده که عمل جراحی، بیش از مالی سوییسی، دکتر رایس را از ظلماتی رهانیده که در این سال‌ها گرفتارش بوده است.

مرتضی میرمنتظمی، در بازتولید نمایش مالی سوییسی، این‌بار تالار وحدت را برای اجرا انتخاب کرده و تلاش دارد از طریق فضامندی روایت، تمامی صحنه تالار وحدت را بکار گیرد. نتیجه این رویکرد، اجرایی است تماشایی که از ایستایی متن نمایشنامه فاصله گرفته و چشم‌اندازی کمابیش فراواقعی و شاعرانه برای تماشاگران ترسیم می‌کند. به لحاظ بازی‌ها، علی سرابی، الهام کردا و صابر ابر، با مهارت توانسته‌اند نقش دکتر رایس، مالی سوییسی و فرانک سوییسی را بدل به خاطره‌ای به یادماندنی کنند و یک‌بار دیگر عیشی مدام را برای تماشاگران مالی سوییسی تدارک کنند.

نمایش سوم-کارگردان

نمایش «کارگردان» که این شب‌ها در سالن سایه مجموعه تئاتر شهر بر روی صحنه است، رویکردی خودنگارانه دارد نسبت به زیست هنری محمدرضا آگاه به عنوان یک کارگردان جوان. در این اجرا، سعی شده با نگاهی قفانگرانه به گذشته، روایتی از موانع و دشواری‌های کار تئاتر ارائه شود و دلایل گرایش به حیطه کارگردانی تئاتر برای کارگردان جوان واکاوی شود. ارجاعاتی که مدام به آثار قبلی این کارگردان جوان می‌شود تا حدودی روشنگر مسیری است که پیموده شده و توضیحی در رابطه با تصمیم به مهاجرت از برای امکان ادامه فعالیت هنری. اما نکته اینجاست که محمدرضا آگاه بسیار زود درباره خودش تئاتر ساخته است. فی‌الواقع در میدان فرهنگی تئاتر کشور، حتی با تجربه‌هایی چون علی رفیعی، دکتر قطب‌الدین صادقی و دکتر محمدرضا خاکی و...دست به چنین کار عجیب و غریبی نمی‌زنند. اینکه یک جوان مشتاق کارگردانی که همچنان در مرحله آموختن و تجربه کسب کردن است، به این نتیجه برسد که می‌بایست تئاتری در رابطه با کارنامه هنری خودش بسازد، صد البته ربط دارد به وضعیت کلی تئاتر این روزهای ما. نسل تازه به میدان آمده، بیش از این می‌بایست فروتنی پیشه کرده و همچنان در محضر استادان مسلم این عرصه، شاگردی کند. به هر حال عرصه تئاتر، پر است از نیروهای متضاد که تمنای کسب منابع کمیابی چون سالن و سرمایه دارند و طبیعی است نسل جوان کمتر از این منابع بهره‌مند شود. البته که این از بخت‌یاری کارگردان جوان ما است که در این سن و سال این فرصت را یافته در سالن سایه اجرا برود و از خودش بگوید. نسل جدید تئاتر می‌تواند به دهه هفتاد و هشتاد شمسی نگاهی بیندازد و این پرسش را از خویشتن خویش بپرسد که اگر در بر همان پاشنه می‌چرخید آیا امکانی برای بر تئاتر کار کردن وجود داشت. حتی اگر نسل جدید مدعی پدرکشی باشد نمی‌شود این واقعیت را ذکر نکرد که مدت‌هاست پدرهای تیاتر، قافیه را به سلبریتی‌ها و تهیه‌کننده‌ها باخته‌اند و خودشان زیر سایه سنگین سرمایه در حال احتضارند.

نمایش چهارم-شهربازی

بعد از مدت‌ها دوری از صحنه تئاتر، نوید محمدزاده با نمایش «شهربازی» به عرصه بازگشته و این شب‌ها در مجموعه تئاتر لبخند، پذیرای مخاطبان پرشمار خویش شده است. شهربازی نمایشی متفاوت با ساختاری نو، به دختری جوان می‌پردازد که نامش «ماری» است و مدتی می‌شود که در شهربازی گم شده و در پی یافتن پدر و مادرش است. مواجهه ماری با چهار عضو خانواده‌ای که به تدریج سر و کله‌شان پیدا می‌شود و با دیدن وضعیت ماری، تمنای کمک کردن به او را دارند صحنه اول نمایش را شکل می‌دهد و سرگردان مابین بینایی و نابینایی قرار می‌گیرد. جالب آنکه انتخاب مالی سوییسی، زیستن در یک فضای بینابینی مابین بینایی و نابینایی است. نکته مهم اما برای دکتر رایس که عمل جراحی را انجام داده، تامل در رابطه با چیزهایی است که بعد از عمل به مالی سوییسی داده شده و چیزهایی که از او ستانده شده است. با آنکه پاسخ چندان روشنی در این باب وجود ندارد اما دکتر رایس به این باور رسیده که عمل جراحی، بیش از مالی سوییسی، دکتر رایس را از ظلماتی رهانیده که در این سال‌ها گرفتارش بوده است.

مرتضی میرمنتظمی، در بازتولید نمایش مالی سوییسی، این‌بار تالار وحدت را برای اجرا انتخاب کرده و تلاش دارد از طریق فضامندی روایت، تمامی صحنه تالار وحدت را بکار گیرد. نتیجه این رویکرد، اجرایی است تماشایی که از ایستایی متن نمایشنامه فاصله گرفته و چشم‌اندازی کمابیش فراواقعی و شاعرانه برای تماشاگران ترسیم می‌کند. به لحاظ بازی‌ها، علی سرابی، الهام کردا و صابر ابر، با مهارت توانسته‌اند نقش دکتر رایس، مالی سوییسی و فرانک سوییسی را بدل به خاطره‌ای به یادماندنی کنند و یک‌بار دیگر عیشی مدام را برای تماشاگران مالی سوییسی تدارک کنند.

نمایش سوم-کارگردان

نمایش «کارگردان» که این شب‌ها در سالن سایه مجموعه تئاتر شهر بر روی صحنه است، رویکردی خودنگارانه دارد نسبت به زیست هنری محمدرضا آگاه به عنوان یک کارگردان جوان. در این اجرا، سعی شده با نگاهی قفانگرانه به گذشته، روایتی از موانع و دشواری‌های کار تئاتر ارائه شود و دلایل گرایش به حیطه کارگردانی تئاتر برای کارگردان جوان واکاوی شود. ارجاعاتی که مدام به آثار قبلی این کارگردان جوان می‌شود تا حدودی روشنگر مسیری است که پیموده شده و توضیحی در رابطه با تصمیم به مهاجرت از برای امکان ادامه فعالیت هنری. اما نکته اینجاست که محمدرضا آگاه بسیار زود درباره خودش تئاتر ساخته است. فی‌الواقع در میدان فرهنگی تئاتر کشور، حتی با تجربه‌هایی چون علی رفیعی، دکتر قطب‌الدین صادقی و دکتر محمدرضا خاکی و...دست به چنین کار عجیب و غریبی نمی‌زنند. اینکه یک جوان مشتاق کارگردانی که همچنان در مرحله آموختن و تجربه کسب کردن است، به این نتیجه برسد که می‌بایست تئاتری در رابطه با کارنامه هنری خودش بسازد، صد البته ربط دارد به وضعیت کلی تئاتر این روزهای ما. نسل تازه به میدان آمده، بیش

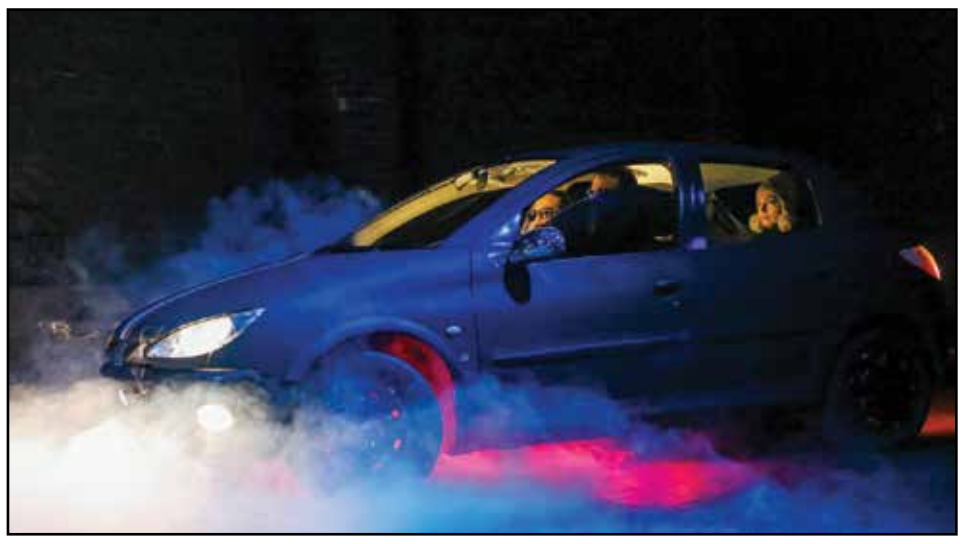

از این می‌بایست فروتنی پیشه کرده و همچنان در محضر استادان مسلم این عرصه، شاگردی کند. به هر حال عرصه تئاتر، پر است از نیروهای متضاد که تمنای کسب منابع کمیابی چون سالن و سرمایه دارند و طبیعی است نسل جوان کمتر از این منابع بهره‌مند شود. البته که این از بخت‌یاری کارگردان جوان ما است که در این سن و سال این فرصت را یافته در سالن سایه اجرا برود و از خودش بگوید. نسل جدید تئاتر می‌تواند به دهه هفتاد و هشتاد شمسی نگاهی بیندازد و این پرسش را از خویشتن خویش بپرسد که اگر در بر همان پاشنه می‌چرخید آیا امکانی برای بر تئاتر کار کردن وجود داشت. حتی اگر نسل جدید مدعی پدرکشی باشد نمی‌شود این واقعیت را ذکر نکرد که مدت‌هاست پدرهای تیاتر، قافیه را به سلبریتی‌ها و تهیه‌کننده‌ها باخته‌اند و خودشان زیر سایه سنگین سرمایه در حال احتضارند.

نمایش چهارم-شهربازی

بعد از مدت‌ها دوری از صحنه تئاتر، نوید محمدزاده با نمایش «شهربازی» به عرصه بازگشته و این شب‌ها در مجموعه تئاتر لبخند، پذیرای مخاطبان پرشمار خویش شده است. شهربازی نمایشی متفاوت با ساختاری نو، به دختری جوان می‌پردازد که نامش «ماری» است و مدتی می‌شود که در شهربازی گم شده و در پی یافتن پدر و مادرش است. مواجهه ماری با چهار عضو خانواده‌ای که به تدریج سر و کله‌شان پیدا می‌شود و با دیدن وضعیت ماری، تمنای کمک کردن به او را دارند صحنه اول نمایش را شکل می‌دهد و سرگردان مابین بینایی و نابینایی قرار می‌گیرد. جالب آنکه انتخاب مالی سوییسی، زیستن در یک فضای بینابینی مابین بینایی و نابینایی است. نکته مهم اما برای دکتر رایس که عمل جراحی را انجام داده، تامل در رابطه با چیزهایی است که بعد از عمل به مالی سوییسی داده شده و چیزهایی که از او ستانده شده است. با آنکه پاسخ چندان روشنی در این باب وجود ندارد اما دکتر رایس به این باور رسیده که عمل جراحی، بیش از مالی سوییسی، دکتر رایس را از ظلماتی رهانیده که در این سال‌ها گرفتارش بوده است.

مرتضی میرمنتظمی، در بازتولید نمایش مالی سوییسی، این‌بار تالار وحدت را برای اجرا انتخاب کرده و تلاش دارد از طریق فضامندی روایت، تمامی صحنه تالار وحدت را بکار گیرد. نتیجه این رویکرد، اجرایی است تماشایی که از ایستایی متن نمایشنامه فاصله گرفته و چشم‌اندازی کمابیش فراواقعی و شاعرانه برای تماشاگران ترسیم می‌کند. به لحاظ بازی‌ها، علی سرابی، الهام کردا و صابر ابر، با مهارت توانسته‌اند نقش دکتر رایس، مالی سوییسی و فرانک سوییسی را بدل به خاطره‌ای به یادماندنی کنند و یک‌بار دیگر عیشی مدام را برای تماشاگران مالی سوییسی تدارک کنند.

نمایش سوم-کارگردان

نمایش «کارگردان» که این شب‌ها در سالن سایه مجموعه تئاتر شهر بر روی صحنه است، رویکردی خودنگارانه دارد نسبت به زیست هنری محمدرضا آگاه به عنوان یک کارگردان جوان. در این اجرا، سعی شده با نگاهی قفانگرانه به گذشته، روایتی از موانع و دشواری‌های کار تئاتر ارائه شود و دلایل گرایش به حیطه کارگردانی تئاتر برای کارگردان جوان واکاوی شود. ارجاعاتی که مدام به آثار قبلی این کارگردان جوان می‌شود تا حدودی روشنگر مسیری است که پیموده شده و توضیحی در رابطه با تصمیم به مهاجرت از برای امکان ادامه فعالیت هنری. اما نکته اینجاست که محمدرضا آگاه بسیار زود درباره خودش تئاتر ساخته است. فی‌الواقع در میدان فرهنگی تئاتر کشور، حتی با تجربه‌هایی چون علی رفیعی، دکتر قطب‌الدین صادقی و دکتر محمدرضا خاکی و...دست به چنین کار عجیب و غریبی نمی‌زنند. اینکه یک جوان مشتاق کارگردانی که همچنان در مرحله آموختن و تجربه کسب کردن است، به این نتیجه برسد که می‌بایست تئاتری در رابطه با کارنامه هنری خودش بسازد، صد البته ربط دارد به وضعیت کلی تئاتر این روزهای ما. نسل تازه به میدان آمده، بیش

پرده نقره‌ای

نگاهی به فیلم «علت مرگ: نامعلوم» ساخته علی زرنگار
زندگی دوباره سینمای اجتماعی با فیلمی درباره مرگ

محمد تقی‌زاده

بی‌راه نیست اگر موضوع «علت مرگ: نامعلوم» و نمایش آن در این وانفسای اپیدمی فیلم‌های ارگانی و کمدی‌های مبتذل را به مرگ و زندگی سینمای ایران ربط داد. در حالی که سانس‌های سینماها از کمدی‌ها پر شده و بهترین فیلم اجتماعی ادوار تاریخ سینمای ایران نیز در شرایط کنونی و در صورت نداشتن رانت، تبلیغات و سلبریتی‌ها امکان نمایش عادلانه و دیده‌شدن پیدا نمی‌کند فیلم «علت مرگ: نامعلوم» پس از ۳ سال اکران شده و در این شرایط و در جلسات نخست نمایش توانسته بازخوردهای خوبی بگیرد، بازخوردهایی که امیداست که امکان نمایش حداقلی این فیلم را در قبال مافیاهای سینمای کمدی و منفعت‌طلبی سینماداران برای نمایش آثاری چون «زودپز»، «صبحانه با زرافه‌ها» و «هفتاد سی» داشته باشد.

اما فیلم «علت مرگ: نامعلوم» از جمله فیلم‌های اجتماعی سینمای ایران است که سعی کرده بدون اتکا به موارد انحرافی، رانت‌ها و فضاسازی و با اتکا به خود سینما و اصول و زیبایی‌شناسی‌اش جذاب و همراه کننده باشد. فیلمی به کارگردانی «علی زرنگار» که اهالی سینما بیشتر او را به عنوان یک فیلمنامه‌نویس شناختند اما مهارت او به اجزای مختلف فیلمنامه‌نویسی از دیالوگ‌نویسی تا داستانگویی و تعلیق و فضاسازی نشان داده که با وجود تجربه نه چندان زیاد او، با یکی از فیلمنامه‌نویسان خوش قریحه و آینده‌داری مواجه هستیم که فیلم‌های وی در جایگاه کارگردان نیز می‌تواند کنجکاوی برانگیز و جذاب باشد و به سینما و زندگی تا حد زیادی نزدیک شود. با این مقدمه ۷ ویژگی مهم و برجسته فیلم «علت مرگ: نامعلوم» که سبب شده این فیلم در زمره آثار مهم اجتماعی و مستقل سینمای ایران در این سال‌ها طبقه‌بندی شود، جمع‌بندی و تحلیل شده است:

۱-ایده و فضا: مخاطب فیلم «علت مرگ: نامعلوم» در وهله اول با یک فیلم سرگرم کننده، جدید و جذاب روبرو می‌شود که در نگاه اول می‌خواهد با مخاطب خود ارتباط برقرار کند و آن را همراه کند. ایده یک خطی داستان درباره فیلمی است که برخلاف فیلم‌های اجتماعی این سال‌ها که در تهران و شمال و آپارتمان‌ها می‌گذرد، در جنوب ایران و یکی از مناطق نزدیک کرمان میگذرد. همراهی ۷ کاراکتر با مختصات فکری و شخصیتی متفاوت باعث شده که هر بار به یک بهانه، روایت به سراغ این کاراکترها برود ضمن اینکه مسیر کلی درام یعنی وقوع یک اتفاق ناگهانی و غیرمنتظره و بعدتر عواقب و پیامده‌های آن، مسیر اصلی قصه را به فرمی کلاسیک پیش می‌برد.

۲-شخصیت پردازی: با وجود بسط یک داستان جذاب و همراه کننده، فیلم «علت مرگ: نامعلوم» را می‌توان یک فیلم شخصیت محور نیز برشمرد چرا که در طول فیلم با ۷ شخصیت آن به مرور آشنا می‌شویم و در این میان، فراز و فرودهای انسانی و اهریمنی این کاراکترها نیز مورد واکاوی قرار می‌گیرد تا جایی که «علت مرگ: نامعلوم» از این جهت، یک فیلم عمیقا اومانیستی درباره انسان، آرزوها و وسوسه‌هایش است که به فراخور شرایط و اتفاقات تغییر می‌کنند حالا علی زرنگار در جایگاه نویسنده و کارگردان سعی کرده در جایی بایستد که این امیال درونی را تصویری کند و بدون قضاوت و داوری روایتی از همه آنچه انسان نامیده می‌شود را با همه پستی‌ها و پاکی‌هایش نشان تماشاگر دهد به همین دلیل است که فیلم می‌تواند با انواع گونه‌های بشری از سنین و فکرهای مختلف ارتباط برقرار کند.

۳-مضمون و درونمایه: مضمون فیلم «علت مرگ: نامعلوم» همچون ماهیت شخصیت پردازی فیلم، مضمونی انسانی است که فیلمساز سعی کرده به بهانه یک داستان یک ساعت و نیمی، درونمایه ذاتی انسان که گویی از ازل تا ابد مشابهت‌هایی نیز دارد، به تصویر درآورد. حرص، فرومایگی، حسرت، بدبختی، عشق، نوع دوستی، خانواده و...از جمله دورنمایه‌هایی است که در این فیلم مورد اشاره قرار گرفته است و زرنگار به خوبی و بدون استفاده از شخصیت‌سازی و قصه‌گویی اغراق آمیز، این مضامین ازلی ابدلی زندگی انسان را تصویر کرده است.

۴-تعلیق و سوسپانس: فیلم «علت مرگ: نامعلوم» فیلم با کیفیت و قابل دفاعی است که ویژگی‌های ممتاز و درخشان آن بیش از نقاط ضعف آن است و این موفقیت در وهله اول به فیلمنامه آن مربوط می‌شود هر چند فیلم در تحلیل کارگردانی نیز بد عمل نکرده و سعی کرده هماهنگ با نوشته، اجرای متناسب و یکدستی نیز داشته باشد. فیلمنامه فیلم، الگویی کلاسیک دارد که تعلیق یکی از فرمول‌های مهم روایت در این فیلم است که جز به جز و با دقت و وسواسی طراحی و اجرایی شده است. بحث مرگ مرد بلوچی و پیدا کردن پول‌های او که در همان ابتدای داستان مطرح می‌شود اولین و مهم‌ترین کاشت‌های داستان است که قرار است در ادامه با سرنوشت این آدم‌ها و آن مرد مرده و پول‌هایش همراه شویم. نکته مهم در این همراه کنندگی، انگیزه‌ها، ریتم و باورپذیری است که در این روند به خوبی طراحی و تعبیه شده است.

۵-ریتم و ضرباهنگ: یکی از نکات فنی و قابل توجه فیلم «علت مرگ: نامعلوم» ضرباهنگ آن است. مونتور فیلم حمید نجفی راد است اما به نظر می‌رسد که ریتم جذاب و همراه کننده آن ناشی از همراهی کارگردان و تدوینگر و یک فیلمنامه مهندسی شده باشد که گویا در زمان نگارش مراحل تدوین و دکوپاژ آن نیز برنامه‌ریزی شده بوده و نتیجه آن شده که فیلم نه کند است و نه تند و به فراخور داستان و مسیر آشنایی با شخصیت‌ها، می‌توانیم تناسبی بین فضای روایی داستان و ریتم فیلم برقرار کنیم که علاوه بر همراه کنندگی فیلم، باعث می‌شود انسجام داستانی و نقط فراز و فرود آن به خوبی به مخاطب منتقل شود.

۶-بازی‌ها: فیلم «علت مرگ: نامعلوم»، فیلم پرکاراکتری است و ۷ نفر به طور ویژه در آن حضور دارند اما تنها با سه بازیگر مشهور و به اصطلاح سلبریتی طرف هستیم: بانیپال شومون، علیرضا ثانی‌فر و ندا جبرائیلی. با این وجود تیم بازیگری و همراه کنندگی و سرگرم کنندگی داستان آنچنان درگیر کننده است که نداشتن سوپراستار چند ده میلیاردی نه تنها به چشم نیامده بلکه کنایه‌ای به فیلم‌های گران قیمت و پرهزینه سینمای ایران نیز می‌زند که با تکیه بر بازیگر سالاری قصد جلب و جذب مخاطب را دارند. تیم بازیگری با هدایت علی زرنگار در جایگاه کارگردان موفق به نمره قبولی میشود و این مهم علاوه بر بازیگران و کارگردان به فیلمنامه‌نویسی فیلم و جایگاه و تعریف دقیق شخصیت‌ها نیز ارتباط پیدا می‌کند.
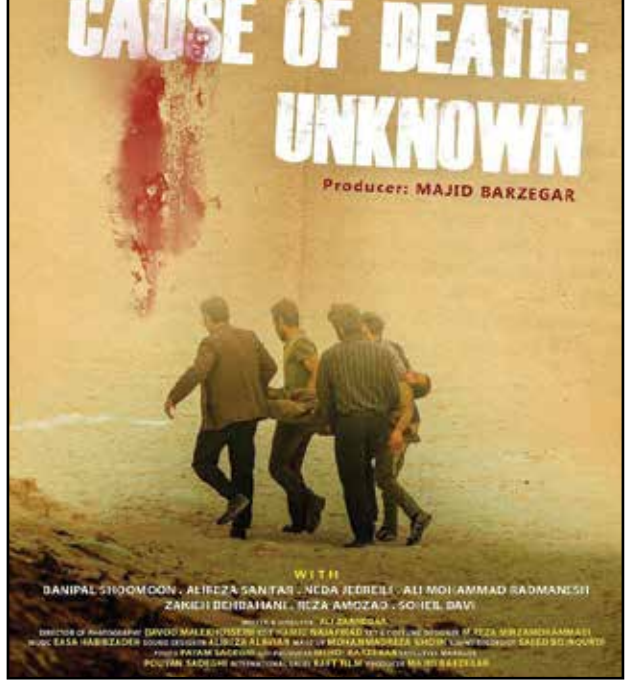
۷-تناسب محتوا و فرم: در «علت مرگ: نامعلوم» به خوبی شاهد تناسب فرم اجرایی با متن نگارش یافته از سوی فیلمنامه‌نویس هستیم شاید یکی بودن فیلمنامه‌نویس و کارگردان یکی از راه‌های نزدیک شدن به این مهم باشد اما به خوبی اجزای فیلمنامه در اجرا موفق به ارتباط با مخاطب و به اصطلاح باورپذیری شدند. فیلم «علت مرگ: نامعلوم»، فیلم پر جزئیات و خلاقانه‌ای است و ردپای این دو ویژگی یعنی توجه به جزئیات و خلاقیت و نوآوری در جای جای فیلم قابل مشاهده است. اتفاقات فیلم با پیش‌زمینه و دقت و به جا رخ می‌دهند، کنش و تعامل شخصیت‌ها به اندازه و باور پذیر است، نقاط محرک داستان از جمله مرگ و پول در زمان مناسب مطرح میشوند و شک‌ها و گره‌گشایی در جای دقیق خود وقوع پیدا می‌کنند تا با فیلمی یک دست در داستانگویی و سرگرم کننده همراه شویم که بعد از سال‌ها می‌تواند هم مخاطب عام و هم مخاطب خاص سینمایی را راضی از سینما بیرون ببرد.